بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه موردی: شهرستان آق قلا

دکتر مرتضی توکلی* / دکترغریب فاضل نیا** / امان گلدی شرافت سید***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

چکیده:

معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلّی گاه ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاها است. طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسبات، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی همه و همه از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که بصورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است. این نوشتار به الگوهای مسکن روستایی موجود در شهرستان و عوامل تأثیرگذار در تحول آنها و راهکارهای تدوین الگوی بهینه مسکن برای سکونتگاههای روستایی با توجه به نیازهای جدید امروزی و ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی مناطق می پردازد. روش تحقیق توصیفی- پیمایشی بوده و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی مبانی نظری لازم اتخاذ و اطلاعات تکمیلی از طریق مصاحبه و پرسشنامه و مشاهدات میدانی کامل شده است.

واژگان کلیدی: فرایند، تدوین، الگوی بهینه، مسکن، روستا.

مقدمه

شهرستان آق قلا با مساحت ۱۷۶۳/۵۲ کیلومتر مربع، دارای ۲ بخش، ۵ دهستان و ۷۹ نقطه روستایی در استان گلستان واقع شده است. این شهرستان در بخش شمالی استان قرار گرفته و از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به شهرستانهای گرگان و علی آباد، از شرق به شهرستان گنبد و از غرب به شهرستان بندر ترکمن محدود می‌گردد. از نظر ناهمواری این شهرستان در ناحیه پست استان گلستان واقع شده که ۴۸/۸ درصد از منطقه در ارتفاع کمتر از صفر و ۵۲/۲ درصد در ارتفاع کمتر از ۱۰۰ متر قرار گرفته است. از نظر اقلیمی قسمت جنوبی شهرستان دارای اقلیم نیمه

* استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل.
** استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل.
*** دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

در نظام زندگی روستایی کار و معیشت و سکونت تداخل گسترده‌ای دارد. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری بر اساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار، زمان‌های متداخلی دارند

سوال اساسی این است که چه راهکارهایی برای تدوین الگوهای متناسب با محیط روستا اتخاذ شده و آیا در این خصوص مطالعات به صورت ناحیه‌ای انجام پذیرفته است یا مطالعات در سطح کلی و کلان کشوری است

مرطوب و قسمت شمالی دارای اقلیم خشک و نیمه خشک می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه استان گلستان). طبق سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ جمعیت کل این شهرستان ۱۰۹۹۰۳ نفر بوده که از این تعداد ۳۳٤۹۰ نفردر شهر آق قلا، مرکز شهرستان سکونت دارند (مرکز آمار ایران).

در نظام زندگی روستایی کار و معیشت و سکونت تداخل گسترده‌ای دارد. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری بر اساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار، زمان‌های متداخلی دارند. فضاهای سکونت و کار، نیز تداخل دارند و محیط مسکن محل نگهداری محصولات و وسایل و ادوات نیز می‌باشد و بخشی از کار در منزل انجام می شود. اصل خودکفایی سبب می‌شود که تولید بسیاری از وسایل و مایحتاج در منزل صورت گیرد. دام و حشم نیز به همین صورت در محدوده مسکونی خانوار نگهداری می‌شوند. بنابراین محیط منزل علاوه بر سکونت، انبار محصولات و وسایل، آغل دام و محل نگهداری ادوات و ماشین آلات کشاورزی و تولید صنایع دستی و خانگی نیز می‌باشد. بهر حال خصلت‌های تولیدی و معیشتی مسکن قسمتی از ساختار مسکن روستایی است که به آن وجه اقتصادی می‌دهد (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۳).

در این میان سوال اساسی این است که چه راهکارهایی برای تدوین الگوهای متناسب با محیط روستا اتخاذ شده و آیا در این خصوص مطالعات به صورت ناحیه‌ای انجام پذیرفته است یا مطالعات در سطح کلی و کلان کشوری است. با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور لزوم تدوین الگوی بهینه برای مناطق جغرافیایی کشور ضروری است. در این میان بررسی تحول در الگوهای معماری مناطق نیز می‌تواند ما را به سمت درست در دستیابی به ایده‌آل‌های مسکن روستایی سوق دهد. با توجه به تأثیر پذیری الگوهای موجود مسکن روستایی از الگوهای شهری و ایجاد تحول اساسی در بافت روستا و ساخت خانه‌های روستایی، مصالح بکار رفته در مساکن قدیمی و تحول در کاربرد مصالح جدید در ساخت خانه‌های روستایی لزوم پرداختن به پژوهش حاضر را دو چندان می‌کند. با توجه به تأکیدات اخیر دولت نهم در ساخت واحدهای مسکونی برای روستاییان از طریق پرداخت وام و ایجاد بستری مناسب برای مقاوم‌سازی خانه‌های روستایی که تحولی عمیق در الگوهای مسکن را در پی خواهد داشت، توجه به الگوی مناسب معماری با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی مناطق ضروری است. براساس مطالعات صورت گرفته در میان کتب و اسناد و مقالات ما سوالات اصلی پژوهش را چنین مطرح می‌کنیم:

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

۱) چگونه برای مسکن روستایی الگوی مناسب و بهینه تدوین و برنامه ریزی کنیم؟

۲) چه عواملی در تحول الگوهای معماری منطقه مورد مطالعه اثر گذار بوده است؟

مبانی نظری تحقیق

با آغاز قرن بیست و یکم کشورهای جهان با چالش‌های مهمی چون فراهم آوردن سرپناه مناسب، اشتغال و محیط زیست پایدار مواجه هستند. در این بین سرپناه مناسب به دلیل برآوردن نیازهای اولیه خانوار یا فرد در آن همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت، اهمیت بسزایی دارد (اهری، ۱۳٦۷، ۷).

سازمان بهداشت جهانی تأکید می‌کند که مسکن مهمترین عامل زیست محیطی مرتبط با شرایط بیماری و امید به زندگی است (هدایت نژاد، ۱۳۷۵، ٥٦۲). در تشریح اهمیت یافتن موضوع مسکن در سطوح مختلف بین المللی، ملی و محلی می‌توان موارد زیر را بیان کرد.

مسکن یک واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پردوام، کالایی با نقش اجتماعی یا جمعی، مجموعه‌ای از خدمات و بخشی اقتصادی است که جزئی از ذخیره سرمایه‌ای ثابت بوده و می‌تواند وسیله تولید ثروت و ابزار دولت‌ها در تنظیم رشد اقتصادی باشد (Bourne,1981.p:14).

طبق گزارش منتشر شده در مجله مسکن سازمان ملل در سال ۲۰۰۰م حدود ۱/۵ میلیارد نفر از مردم دنیا سر پناه مناسب نداشته و در واحدهای مسکونی زیر استاندارد زندگی می‌کنند.

علاوه بر این مسکن به طور عمیق با نظم اجتماعی در هم پیچیده است. نقش مسکن در اقتصاد کشورها حائز اهمیت است، تقریباً یک چهارم از ثروت ملی در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا به صورت واحدهای مسکونی شهری و روستایی است. به طور متوسط در سطح جهان حدود یک چهارم از هزینه مصرفی خانواده‌ها صرف هزینه مسکن می‌شود، در بعضی از کشورها و برای برخی از گروههای در آمدی سهم هزینه مسکن از این حد نیز فراتر می رود (دژکام، ۱۳٦٤، ٦).

مسکن علاوه برتأمین یکی از نیازهای زندگی یعنی «سرپناه»، به عنوان یک پس انداز نیز مطرح است. از این رو مسکن کالایی سرمایه‌ای است و یک ارزش اجتماعی است، که باعث پایداری جامعه و کاهش آسیبهای اجتماعی است (Dix,1985.pp:1-10).

مسکن به طور عمیق با نظم اجتماعی در هم پیچیده است. نقش مسکن در اقتصاد کشورها حائز اهمیت است، تقریباً یک چهارم از ثروت ملی در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا به صورت واحدهای مسکونی شهری و روستایی است

نتیجه اینکه تأمین مسکن یک معضل جهانی است و بدون شک الگوها و روش‌های سنتی هرگز نمی تواند جوابگوی این نیاز روزافزون باشد (مسیبی، ۱۳۸۲، ۲).

در خرداد ماه سال ۱۳۷۵ مصادف با سال ۱۹۹٦ میلادی اجلاس دوم کنفرانس جهانی حقوق بشر در استانبول برگزار شد که یکی از نکات مهم که در این اجلاس به آن اشاره شد، مفهوم مسکن مناسب بود که چنین تعریف شد: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

یک سقف بالای سر هر شخصی نیست. سرپناه مناسب یعنی، آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی، امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، تهویه و سیستم گرمایش مناسب، زیرساختهای اولیه مناسب از قبیل آبرسانی بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه؛ که همه این موارد با توجه به استطاعت مالی مردم موجود باشند». (بولتن اقتصاد مسکن، ۱۳۷۵، ۱۹).

امروزه پژوهشگران در اکثر کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که تعریف مسکن به یک واحد مسکونی محدود نمی‌شود، بلکه کل محیط مسکونی را در بر می‌گیرد. بر اساس مطالعاتی که در کشور هندوستان صورت گرفته، مفهوم مسکن علاوه بر ساخت فیزیکی که یک خانواده به عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را شامل می‌شود که در بر گیرنده کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و طرحهای اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است. همچنین مسکن به مجموعه‌ای از تسهیلات گفته می‌شود که به منظور ارائه خدمات فشرده در مکان فیزیکی قرار دارد. این واژه بدان معناست که مفهوم مسکن با توجه به شرایط اجتماعی- اقتصادی و خانوادگی تغییر می کند (مخبر، ۱۳٦۳، ۱۸).

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته است، توسعه پایدار همگام با توسعه انسانی می‌باشد. در چنین استراتژی استفاده بهینه از منابع بدون تباهی آنها مد نظر قرار می‌گیرد. یکی از مؤلّفه‌های توسعه انسانی، تأمین مسکن مناسب با شئونات انسان است، بدون اینکه منابع طبیعی دچار تخریب گردند. برنامه‌ریزی توسعه مسکن باید به صورتی طراحی شود که علاوه بر تأمین مسکن مناسب، متغیرهای اصلی بوم شناسی نیز در آن ملحوظ شود. بنابراین باید جهت دستیابی به چنین برنامه‌ای شناخت کافی از ابعاد و میزان عوامل موثر در ایجاد مسکن به دست آورد و متقاضیان مسکن و ابعاد تقاضای آنها را شناخت. مسأله احتیاج به مسکن به دلیل وضع خاص موجود در هر جامعه متفاوت است و با خصوصیات فردی، موقعیتهای اجتماعی، شرایط ایدئولوژیک و وضعیت اجتماعی- اقتصادی تغییر می‌کند و به همین نسبت موقعیت مسکن با توجه به وضعیت فیزیکی هر محیط و امکانات فنی و اقتصادی تغییراتی می یابد. این تغییرات باید شناخته شده و مورد توجه قرار گیرند (شکویی، ۱۳۵۵، ١٤).

مسکن همچنین نقش با اهمیتی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و در کل سیستم نیز تأثیر می‌گذارد (آسایش، ۱۳۷۵، ٦٧).

اهمیت این موضوع تا بدانجاست که در قانون اساسی نیاز به مسکن برای هر فرد و خانواده ایرانی مورد تأکید واقع شده است به نحوی که «به استناد ماده۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشتن مسکن مناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی بوده و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند زمینه اجرایی این اصل را فراهم کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳٦۸، ٢٦).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳، ۲۲، ۳۱ و ٤۳ به صراحت به تأمین مسکن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

مردم تأکید شده است. حساب ۱۰۰ امام جزء اولین حسابهایی است که پس از انقلاب جهت تأمین مسکن محرومان افتتاح شده است. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، یکی از ارگانهای انقلاب است که در جهت رفع نیاز مسکن محرومان بویژه مسکن روستاییان تشکیل گردیده است. در کنفرانس ریودوژانیرو که بزرگترین کنفرانس علمی-سیاسی مربوط به توسعه تشکیل شده در جهان است و بسیاری از اهداف آن به تصویب همه کشورهای جهان رسیده است، اعتبارات مربوط به تأمین مسکن مناسب برای انسانها ۲۱۸ میلیارد دلار یعنی حدود ۲۰ برابر در آمد نفتی ایران در سال ۱۳۷۷ و شامل ۲۸ میلیارد دلار کمک اقتصادی به کشورهای جهان سوم است. توجه شود که این اعتبار در ردیف دوم پس از اعتبار ۲۷۳ میلیارد دلاری برای ارتقای سلامت انسان است. در همین کنفرانس اعتبار مربوط به مبارزه با فقر فقط ۳۰ میلیارد دلار و شامل ۱۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی دیده شده است (بی نام، ۱۳۷۷، ۲۶۹- ۲۶۵).

مقوله مسکن گسترده بوده وابعاد متنوعی دارد، مقوله مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می گیرد. بطوریکه مسکن جنبه‌ای فراتر از یک سرپناه فیزیکی بوده و تمامی امکانات و خدمات و امکانات عمومی لازم برای زندگی بهتر انسان را در بر می‌گیرد، بعلاوه بایستی حق تصرف طولانی و مطمئن برای استفاده کننده فراهم کند (دلال پور محمدی، ۱۳۷۸، ۲۷).

روند رو به رشد تعداد خانوار روستایی و وجود تعداد قابل توجهی از واحدهای مسکونی روستایی فرسوده از یک سو و حجم پایین تولید مسکن روستایی از سوی دیگر موجب شده است تا تأمین مسکن مورد نیاز روستاییان، هم از بعد کمی و هم از بعد کیفی به شدت با مشکل مواجه باشد. در این میان مقاوم نبودن بخش عمده ای از واحدهای مسکونی، روند افزایش جمعیت و تمایل خانوارهای روستایی به زندگی تک خانواده‌ای در واحد مسکونی موجب افزایش تقاضا برای مسکن در روستا شده است.

براساس برآورد انجام شده در سال ۱۳۸۵ تعداد خانوار روستایی حدود ٤٦٣٠٠٠٠ خانوار خواهد بود، در حالی که با ادامه روند فعلی تولید مسکن؛ در سال ۱۳۸۵، کل واحد مسکونی حدود ٤١٩٠٠٠٠ واحد خواهد بود و این به معنی کمبود ٤٤٠٠٠٠ واحد مسکونی روستایی است. اگر تعداد واحد مسکونی(با عمر بیش از سی سال) و واحدهای مسکونی با مصالح کم دوام را از واحدهای موجود روستایی کم کنیم به رقم ٢٦٠٠٠٠٠ واحد به عنوان کمبود واحدهای مسکونی روستایی خواهیم رسید (علوی مجد، ۱۳۸۳، ۳۸).

مساکن روستایی در طول دوره‌های مختلف تحول و دگرگونیهایی را داشته است. این دگرگونیها غالباً در جهت مقاوم‌سازی بناها بیشتر بوده است. استفاده از امکانات رفاهی جدید در قالب طرحهای توسعه فیزیکی نیاز به بازنگری در شیوه‌های ساخت وساز مسکن روستایی را افزایش می‌دهد و هر چه سرعت اجرای طرحها بیشتر باشد مساکن روستایی در طول دوره کوتاهتر، تحول و تغییر می‌پذیرند. در این میان طرح‌های اجراشده توسط نهادهای دولتی از جمله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تحول گسترده ای را در مسکن روستاییان ایجاد کرده است. با توجه به اینکه افزایش جمعیت در سطح روستاها نیاز به مسکن و ساخت و سازها را بیشتر کرده و استانداردهای مسکن و ابعاد کمی و کیفی مسکن نیاز به بازنگری

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

دارد. چـرا کـه بـسیاری از نیازهـای امنیتـی، بهداشـتی، آموزشی، روانی و اشتغال به شـدت بـا مـسکن ارتبـاط دارد.

الگوهای مـسکن روسـتایی در روسـتاهای نمونه

بررسی سیر تحولات بافت روستاهای نمونـه انـواع مختلفـی از مـسکن را طـی دوره‌هـای مختلـف نـشان می‌دهد. بر حسب شکل و پلان مساکن روستایی دسـته بندی شده و تیپ‌های گوناکون و تطـور آنهـا در طـول زمان نشان داده می‌شود (نظری، ۱۳۷۷، ٥٤٥-٥٦٥):

خانه‌های تیپ نخست: نخستین خانه‌های بنا شـده پس از اسکان دارای پلان مـربع شکـل مـی‌باشند. ایـن خانه‌ها که به «کومه» یا «نـژده» مـشهورند واحـدهای تک اتاقه‌ای هستند که تا سالهای ۱۳۳۰، گونه غالـب خانه‌های روستایی بودند. این تیپ بر اساس مـصالح و نحوه ساخت به دو دسته تقسیم می‌شود. نوع ساده آن از نی، کاهگل و پوشال علفی و با اسکلت چـوبی احداث می‌شود. و نوع دوم این تیپ از مساکن از نی، کاهگل، چوب و دیواره خشتی وبا ارتفاع نـیم متـری از کف زمین که با خاک پر شده ایجاد می‌شود.

خانه‌های تیپ دو: پلان مستطیل شکل مشخصه بارز اینگونه از خانه‌ها است که در دهه‌های ۳۰ تـا ۵۰ الگوی مساکن روستاهای منطقه بشمار می‌رفـت. ایـن تیپ خود به انواع مختلفی طبقه بندی می‌شود کـه بـه شرح ذیل است:

تصویر شماره ۱: منزل مرحوم بایرام حاجی حوجا، سال احداث، ۱۳۵۱، روستای یلمه سالیان

تصویر شماره:۲: منزل مرحوم حـاجی بـایرام حوجـا، سـال احداث: ۱۳٤٥، روستای یلمه سالیان

تصویر شماره ۳: منزل مرحوم حاجی‌خوجه و برادرش ملا نفس حاجی‌خوجه، سال احداث: ۱۳٤۸، روستای یلمه سالیان

تصویر شماره ٤: منزل عطا حاجی حوجا، سال احداث حـدود: سال ۱۳٤٥، روستای یلمه سالیان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

تصویر شماره۵: منزل مرحوم حوجا ملّا یُلما، سال احداث حدود سال ۱۳۳۵ ، روستای یلمه سالیان

تصویر شماره ٦: منزل قابی حاجی یُلمـا، سـال احـداث ۱۳٤۷، روستای یلمه سالیان

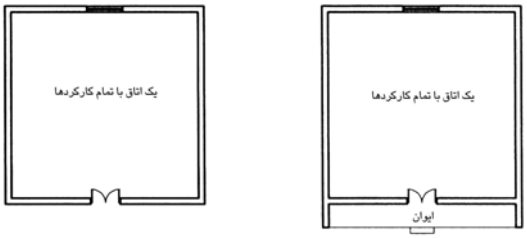

خانه‌های تیپ ۱ و روند تغییرات انواع آن

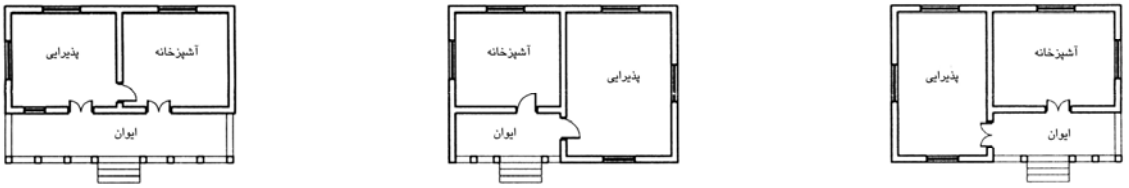

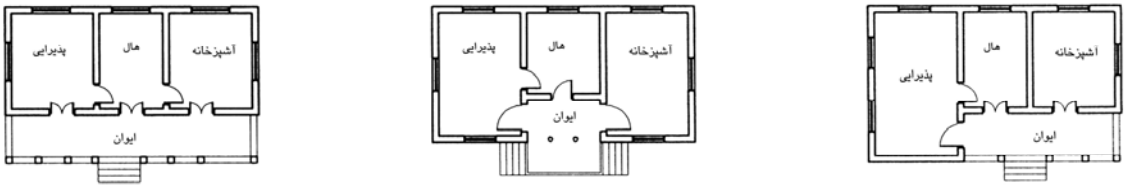

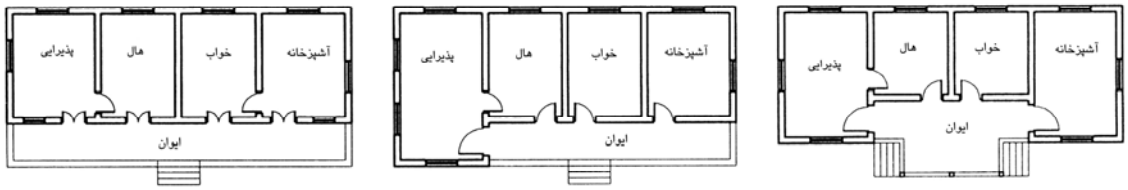

خانه‌های تیپ ۲ و روند تغییرات انواع آن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

– خانه دو اتاقه ساده با ایوان در ضلع جنوبی با زیر بنای حدود۴۰ متر مربع.

– خانه دو اتاقه که یکی از اتاقهایش مربع و دیگری مستطیل شکل است (زیر بنای ۴۰ متر مربع).

– خانه سه اتاقه در یک ردیف و ایوان یکسره در ضلع جنوبی (زیر بنای حدود ۴۰ متر مربع).

– خانه سه اتاقه مشتمل بر دو اتاق مربع شکل و یک اتاق L شکل با زیر بنای حدود ۶۰ متر مربع.

– خانه سه اتاقه با یک اتاق مربع شکل در وسط و دو اتاق L شکل در طرفین با زیر بنای ۶۰ متر مربع.

– خانه چهار اتاقه طویل در یک ردیف با ایوان در ضلع جنوبی با زیر بنای حدود ۸۰ متر مربع.

– خانه چهار اتاقه با سه اتاق مربع شکل و یک اتاق مستطیلی به انضمام ایوان.

– خانه چهار اتاقه با دو اتاق مربع شکل و دو اتاق مستطیلی در طرفین.

– خانه دو طبقه ساده با دو اتاق در طبقه همکف و دو اتاق در طبقه فوقانی.

– خانه دو طبقه مشتمل بر شش اتاق با زیر بنای حدود ۱۲۰ متر مربع.

در این تیپ از خانه‌ها از مصالحی نظیر آجر، سیمان و گچ استفاده می‌شود.

خانه‌های تیپ سه: ساخت این خانه‌ها به دهه ۶۰–۵۰ مربوط می‌شود و امروزه بیش از ۶۰ درصد خانه‌ها را شامل می‌شود. در ساخت این خانه‌ها تاثیرپذیری از مساکن شهری مشاهده می شود و مساحت زیربنای خانه‌ها افزایش یافته است و عناصری از قبیل راهرو، هال، حمام، رختکن، کاشیکاری آشپزخانه، کمدهای دیواری، سیم کشی توکار برق و لوله کشی داخل منازل به آن افزوده شده است.

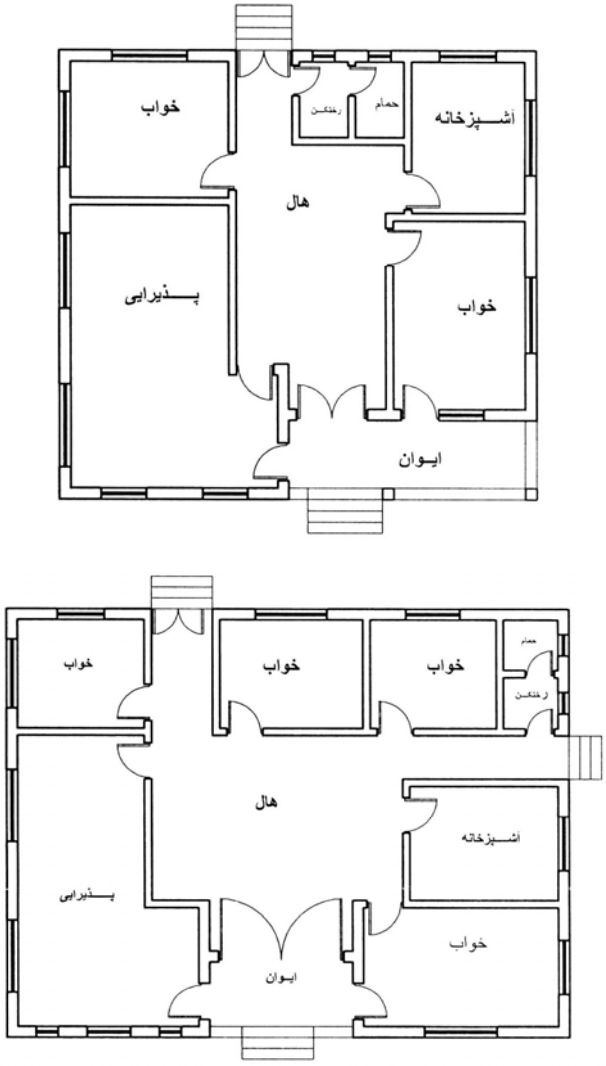

خانه‌های تیپ ۳ و روند تغییرات انواع آن

در این تیپ از نظر مصالح نسبت به دوره‌های قبل تفاوت زیادی دیده می‌شود و ملات سیمان و آجر و بلوک، حلبی، ایرانیت و تیرآهن جایگزین خشت خام و ملات گل و سقف‌های علفی می‌شود.

خانه‌های تیپ چهار: در این تیپ از مساکن الگوبرداری از مساکن شهری به دلیل گسترش روابط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

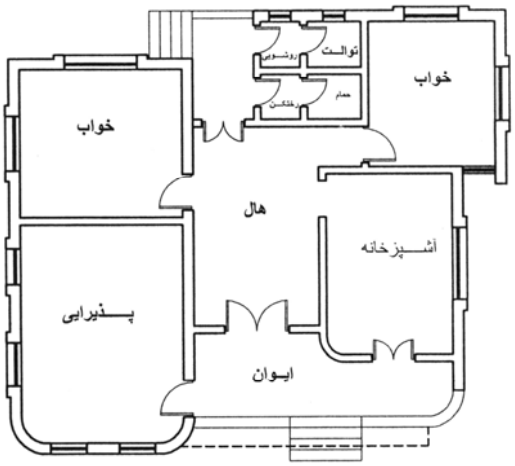

خانه تیپ ٤

شهر و روستا در نتیجه توسعه خطوط ارتباطی و وسایل حمل و نقل رونق می‌گیرد بطوری‌که پلان‌های ساده چهارگوش به پلان‌های چند وجهی همراه با شکستهای متعدد در دیواره و بام تبدیل می‌گردد و از جمله مشخصات این تیپ از خانه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱)افزایش تعداد دربها، پنجره‌ها و همچنین ابعاد آنها (۲)داشتن زیر زمین یا پیلوت (۳) نماسازی بوسیله پودرسنگ و سنگ مرمر (٤) ایجاد سقفهای چندوجهی و تبدیل پنجره‌های چوبی به آلومینیومی (۵) افزایش مساحت زیربنا و استحکام بیشتر آن با استفاده از پی سازی به شیوه بتون آرمه.

عوامل موثر در دگرگونی و تحول مساکن روستایی

تغییرات اجتماعی و سیاسی که چندین دهه در ایران به وقوع پیوست بدنبال خود تغییر در شرایط اقتصادی را در برداشت که این عوامل تحولی را در امر

تصویر شماره۷: مساکن با معماری و طرح جدید،روستای یلمه سالیان

تصویر شماره ۸: منزل امان گلدی شرافت سید، سال احداث: ۱۳٦۷، روستای یلمه سالیان

الگوی مسکن سازی در روستاها به دنبال آورد. در این مقاله سعی می‌شود که عوامل مهمی که بر تغییر الگوی مسکن روستایی شهرستان موثر بودند بررسی شوند. از جمله این عواملی که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

الف- تکنولوژی ارتباطات و شبکه راه روستایی

ب- معیشت و درآمد ساکنین روستاها

ج- نقش برنامه‌های عمرانی دولت

د- سیاستهای اجرایی در رابطه با ساکنین روستاها.

الف- تکنولوژی ارتباطات و شبکه راه روستایی: یکی از مهمترین عوامل در تغییر الگوی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

مساکن روستایی در دهه‌های اخیر گسترش تکنولوژی ارتباطات و شبکه راههای روستایی می‌باشد. زمینهای مسطح و هموار در این ناحیه، عملیات راهسازی را تسهیل کرده و با استفاده از این وضعیت شبکه گسترده‌ای از راهها جهت ارتباط روستاها به یکدیگر و به شهرها را فراهم ساخته است.

شبکه ارتباطی در این مناطق از دو طریق توانسته است در تغییر الگوی مساکن روستایی موثر باشد: اول اینکه باعث ورود یک فرهنگ جدید شهری به روستا می شود که این فرهنگ شهری و مصرفی با قدرت رفاهی زیاد خود فرهنگ سنتی روستا را کنار زده است. رواج مصرف گرایی و متکی شدن به شهر، اولین نتیجه ورود این فرهنگ می باشد. دوم اینکه جاده ارتباطی باعث می شود که حمل ونقل مصالح از نقاط دورتر به روستا آسانتر انجام گیرد و روستایی محدودیت و دشواری حمل ونقل مصالح غیر بومی را به روستای خود نخواهد داشت. لذا با گسترش خطوط ارتباطی، مصالح جدید و فرهنگ مصرفی نیز گسترش می‌یابد.

تکنولوژی ارتباطات از قبیل تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و ICT نیز در سرعت بخشیدن به این تحول نقش مهمی داشته است. ورود تلویزیون و دیدن انواع خانه‌های مدرن شهری در مناطق مختلف، باعث شده که روستایی نیز میل به تخریب خانه‌های سنتی نموده و الگوبرداری از این خانه‌ها را در زندگی خود پیاده کند.

ب- معیشت و در آمد ساکنین روستاها: با افزایش درآمد روستاییان، میل به ساخت خانه‌های به سبک جدید افزایش می‌یابد. این عامل در مراحل اولیه در تغییر شکل خانه‌ها بسیار اهمیت دارد. گسترش مشاغل خدماتی و دولتی در میان روستاییان و نیز بهبود وضع بسیاری از کشاورزان و نیز سیاستهای اثر گذار دولت در رابطه با روستاییان و تشویق به ساخت خانه‌های با فرم جدید همراه با توانایی روستاییان به این امر دامن زده است.

ج- نقش برنامه‌های عمرانی دولت: با اجرای برنامه‌های عمرانی دولت در سطح روستاها، روند نوگرایی و مدرن شدن در سطح روستاها شدت می‌گیرد. ارائه خدماتی ازقبیل آب، برق، تلفن و گاز و نیز گسترش دادن امکانات آموزشی و خدماتی در سطح روستا بر شدت آن می‌افزاید. خدمات فوق همراه با نیازهایی است که خانه‌های قدیمی پاسخگوی آن نبوده است.

د- سیاست‌های اجرایی در رابطه با ساکنین روستاها: تاثیر این عامل در تغییر الگوی مسکن روستایی را باید از گذشته‌های دور مورد بررسی قرار داد و شاید یکی از عواملی که امروزه سرعت زیادی به تغییر الگوی مسکن روستایی داده است، بی توجهی و بعضاً ترغیب روستاییان توسط دولت به تغییر شکل زندگی در گذشته بوده است. اجرای اصلاحات ارضی به عنوان عاملی در جهت بخشیدن به الگوی مساکن روستایی موثر بوده است. رژیم گذشته در دهه‌های ۵۰ – ۱۳۴۰ نه تنها توجهی به روستاها و فرهنگ و آداب روستایی نشان نمی‌داد، بلکه خود عاملی در جهت از بین بردن فرهنگ وسنت اصیل روستایی بود وبه بهانه ورود تکنولوژی و توسعه و آبادانی روستاها ودادن امکانات به روستاها، فرم مساکن بومی و سنتی را دگرگون کرد. بعد از انقلاب نیز به دلیل سوق پیدا کردن مردم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

روستایی به طرف الگـوی شهرنـشینی ایـن امـر شـدت بیشتری به خود گرفت.

الگوهـــای متناســـب نوســـازی مـــسکن روستایی

دستیابی به الگوهای بهینه مسکن روسـتایی صـرفاً یک فرایند فیزیکی نیست، بلکه مطالعه ای چند وجهـی است. بخشی از این مطالعات شناخت ساختارهای کلان محیطی و جغرافیایی و ریشه‌هـای تحـولات مـی‌باشـد. اصول و مبانی این بخش از مطالعات بـرای کارشناسـان آشنا است و نیاز به توضیح ندارد. اما شـناخت کالبـدی مـسکن دو بخـش فیزیکـی و اجتمـاعی دارد. بخـش فیزیکی مـستلزم شـناخت آن قـسمت از بافـت روسـتا است که مسکن و ساختمان موجـود بـا آن پیونـد دارد. شاید بـا پرسـشگری سـاده و گـردآوری اطلاعـات بـه روشهای رایج نتوان به محتـوای اجتمـاعی مـسکن پـی برد. روش‌های پویایی شناسـی و تحلیلـی بـه شـناخت جامع‌تری می‌انجامد و مـی‌توانـد مـوارد زیـر را در بـر داشته باشد (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸٦)

الف) شناخت گونه‌های موجود مسکن روستایی

ب) شناخت ابعاد اجتماعی مسکن

مسکن یکی از بخش های قابل توجه سرمایه ملـی است که در کنار سـاختار فیزیکـی پدیـده ای اجتمـاعی است. مفهوم اجتماعی مسکن آن است که:

– به عنوان سرپناه نیاز جمعیـت نیـاز جمعیـت در مکان خاصی را پاسخ دهد.

– آسودگی و امنیـت زنـدگی خـانوار را جـدای از محیط اجتماعی ممکن سازد.

– رفع نیازهای زیستی و رفاهی خـانواده و هریـک از اعضای آن را ممکن سازد.

– عامل و اساس پیونـد اجتمـاعی سـاکنان یـک حـوزه (روسـتا، محلـه، شـهر و ...) در قالـب بافـت مسکونی باشد.

– در سطوح فراتر از واحد مسکونی، خـدمات و رفاه سـاکنان یـک حـوزه ماننـد خـدمات اجتمـاعی، آموزشی، درمانی و رفاهی را فراهم سازد.

– در ایجاد ثبات و پایداری زندگی ساکنان نقش داشته باشد. بطوری که زنـدگی سـکنه بـه آن وابـسته باشد.

– با فرهنـگ، مناسـبات و رفتارهـای اجتمـاعی، علائق و گذشته‌های تاریخی پیوند داشته باشد.

– مدول و ابعـاد و انـدازه و تناسـبات منطقـی و مترادف با شرایط اقتصادی و معیـشتی خـانوار داشـته باشد.

– دارای فـن و تکنولـوژی متناسـب بـا شـرایط اقتصادی و اجتماعی و ظرفیت فنی جامعه باشد.

– هرگونه مطالعه‌ای در مـورد مـسکن روسـتایی ابتدا لازم است سـاختار اجتمـاعی مـسکن را کـه بـر شکل کالبدی و فیزیکی مسکن مسکن تأثیرگذار است شناسایی کنند.

خانه در قاموس روستایی مقارن با شرایط اقتصادی و قشربندی‌های درون روستا است. تبعاً داشتن خانه آباد کـه مهمانپـذیر و دیـوان خانـه داشـته باشـد وضعیت اجتماعی ممتازتری را در بـین روسـتاییان ایجاد می‌کند

مسکن از بعد اقتصادی نیز حائز اهمیت اسـت و می‌توان موارد زیر را در این زمینه برشمرد (مهندسـان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸٦)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

– در کنار خصلت‌های اجتماعی بخشی از اقتصاد و معیشت خانوار به محیط مسکونی بر می‌گردد و چه بسا که قسمتی از درآمد خانوار ناشی از کار در منزل باشد. بافته‌های روستایی مهمترین بخش اقتصاد خانگی است که بیشتر توسط زنان انجام می‌گیرد.

– اصولاً اهل حرفه در روستا مشاغل فنی مورد نیاز سایر ساکنان روستا را در منزل انجام می‌دهند و کمتر کارگاه مستقلی دایر می‌کنند.

مجموع خصلت‌های فیزیکی مسکن روستایی بخش اصلی سیمای روستا را شکل می‌دهد. در همه کشور بجز بخش‌هایی از شمال و جنوب کشور بافت مسکونی بهم پیوسته و یکپارچه است و هویتی خاص را معرفی می‌کند

– خانه در قاموس روستایی مقارن با شرایط اقتصادی و قشربندی‌های درون روستا است. تبعاً داشتن خانه‌آباد که مهمانپذیر و دیوان خانه داشته باشد وضعیت اجتماعی ممتازتری را در بین روستاییان ایجاد می کند.

– وجود خانه برای روستاییان ثبات و ماندگاری بیشتری در روستا ایجاد می کند.

– نگهداری دام و احشام و لوازم کار نیز به مسکن روستایی چهره و وجه اقتصادی می‌دهد.

وضعیت کالبدی مسکن روستایی نیز جای تأمل فراوان دارد:

– دارای ساختار معماری ویژه‌ای است که عوامل بوم شناختی و محیطی بر آن تأثیر گذاشته‌اند.

– اساس شیوه ساخت مسکن روستایی را «تجارب» گذشته فراهم آورده است.

– این معماری بنا به نکات فوق چهره بومی نیرومندی یافته است. بطوری که هنگامی که صحبت از معماری خاص بخشی از کشور می شود، نمادهای آنرا علاوه بر معماری شهری در معماری روستایی نیز می‌توان یافت. بنابراین معماری روستایی دارای وجه فرهنگی است و می‌توان بر حسب مناطق مختلف برای آن عناصر فرهنگی برشمرد.

– بوم آورد بودن عناصر و مصالح بکار رفته در مسکن قطعاً از صفات مسکن روستایی است.

– مجموع خصلت‌های فیزیکی مسکن روستایی بخش اصلی سیمای روستا را شکل می‌دهد. در همه کشور بجز بخش‌هایی از شمال و جنوب کشور بافت مسکونی بهم پیوسته و یکپارچه است و هویتی خاص را معرفی می کند.

برنامه‌ریزی برای تهیه الگوهای بهینه مسکن روستایی

دستیابی به الگوی بهینه مسکن روستایی، نیازمند سیستم برنامه‌ریزی سازمان یافته و منسجمی است که بتوان در پرتو آن به برنامه‌ها و طرح‌های مناسب و پاسخگو دست یافت (حبیبی، ۱۳٦٤).

سطوح برنامه‌ریزی

در سطح کلان:

برنامه‌ریزی کالبدی مسکن روستایی در سطح کلان دارای مقیاسی فضایی و آمایشی است، که شامل سیاستگذاری‌هایی است که به انسجام روستاها، ماندگاری روستاییان، ارتقاء اقتصاد و معیشت و سطح زندگی و برخورداری از خدمات می‌انجامد. پایداری محیط، ارتباط بین مجموعه‌های روستایی و ایجاد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

سلسله مراتب‌های عملکردی نیز در این برنامه ریزی‌ها دیده می‌شود. بخشی از این برنامه‌ها نیز سیاستگذاریهای مسکن روستایی است که گرایش به بهینه شدن آن دارد.

در سطح خرد:

در سطح خرد در برنامه ریزی کالبدی مسکن روستایی مناسب سازی مسکن روستایی با شرایط محیطی و جغرافیایی، اقتصادی و معیشتی، اجتماعی و فرهنگی و مناسب سازی نحوه زیست و فعالیت با توجه به نیازهای روستاییان جستجو می‌شود، این خواست‌ها در طراحی الگوهای بهینه مسکن روستایی باید متجلی شود.

محتوای برنامه‌ریزی

یک برنامه‌ریزی فیزیکی خوب به لحاظ محتوایی می‌بایست هم با ساختارهای موجود انطباق یافته و هم کارکرد گرا باشد. لذا در مطالعات به شرح زیر این دو، مورد مطالعه قرار گرفته اند:

۱: ساختارهای مورد مطالعه

این ساختارها عبارتند از:

- شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- ساختارهای جغرافیایی و اقلیمی
- ساختارهای محیطی

۲: کارکردهای مورد مطالعه

طبعاً طراحی الگوها برای موفقیت می‌بایست با اصول بدیهی یک معماری خوب مطابقت داشته باشند یعنی با سه اصل آسایش(استفاده و سودمندی)، استحکام و زیبایی انطباق داشته باشند(حبیبی، ۱۳٦٤).

آسایش: عناصر تشکیل دهنده آسایش عبارتند از: عملکرد (افراد، سطوح، فضاها، ارتباطات)، شرایط محیطی (دما، نور، تابش، بارش، کوران، رنگ و ...) تأسیسات و تجهیزات (آب، برق، تلفن، گاز، فاضلاب، حفاظت در مقابل رطوبت، مبلمان، فضای سبز و ...).

استحکام: یعنی استفاده از مصالح مرغوب در شالوده، دیوارها، سقف و سایر اجزاء بنا، انتخاب سازه مناسب، سیستم‌های تأسیساتی، سیستم‌های ساختمانی و مدیریت و مهندسی صحیح احداث.

عناصر زیبایی: عبارتند از ریتم، هماهنگی، نظم و قواعد زیبایی شناسی، انطباق با شرایط محیطی و

جدول شماره۱: فرآیندها و نظریه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی

روش‌ها / فرایندها	اثباتی	هنجاری
روایی	تکمیل دانش پایه، شناخت وضع موجود، شناخت مساله، حل مساله	تعیین اهداف، ضوابط و مقررات، تحلیل و ارزیابی، انتخاب راه حل‌ها
محتوایی	بررسی عملکردها (فعالیت، روابط، فضاها)، سطوح و سرانه‌ها، شرایط محیطی و جغرافیایی، معیارها، استفاده از قابلیتهای محیطی، نور، دما، سرما، باد، کوران، مطالعات اقتصادی و اجتماعی- گونه‌شناسی	قابلیت سنجی شرایط مطلوب محیطی، قابلیت سنجی رفتاری، قابلیت‌سنجی نیازها و خواسته‌ها

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

دیاگرم شماره ۱: فرایند رویه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی مطالعات مسکن روستایی

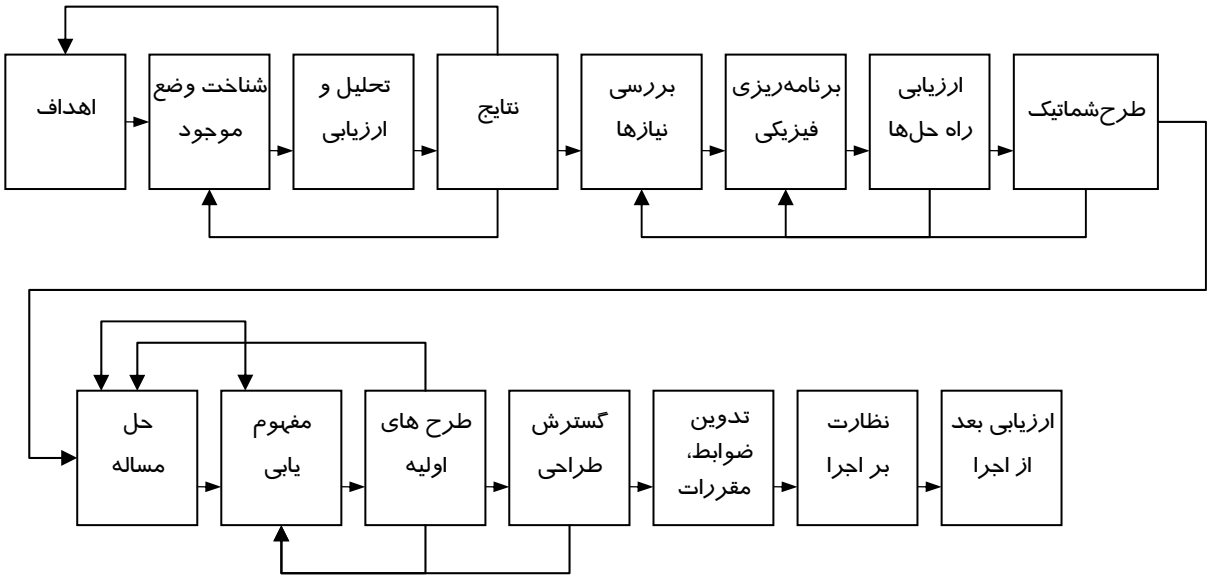

فرهنگی و تمایلات ساکنان و ... . زیبایی در مرحله‌ای از ترکیب یا طراحی پدیدار می‌شود و عناصر حجمی، نماها و عناصر بصری و دیداری را شامل می‌گردد.

برنامه‌ریزی فیزیکی

برنامه‌ریزی فیزیکی مجموعه تصمیم‌هایی است که برای تنظیم شرایط مطلوب محیطی و کالبدی به منظور دستیابی به راه حل‌های مناسب طراحی گرفته می‌شود. هر برنامه‌ریزی فیزیکی از شناخت همه ساختارهای وضع موجود و محیط کالبدی آغاز می‌شود و سعی در رسیدن به شرایط مطلوب و بهینه می‌نماید. این برنامه ریزی دارای دو فرایند رویه‌ای و محتوایی است که به لحاظ نظری با دو روش اثباتی (علمی و واقع گرا) و هنجاری قابل اجرا است. در جدول شماره ۱، فرایند برنامه‌ریزی فیزیکی برای مطالعه و طراحی الگوها در چارچوب نظریات اثباتی و هنجاری به لحاظ محتوایی و رویه‌ای مشخص گردیده است. نظریات برنامه ریزی نه تنها در معماری بلکه در شهرسازی و تمام مطالعات محیطی اکنون جایگاه ویژه دارند. در نوسازی و بهسازی‌های روستایی نیز بدون استفاده از قواعد برنامه ریزی‌های محیطی نمی‌توان به نتایج مطلوبی رسید و همواره این نگرانی وجود دارد که پیشنهادات از الگوها و پارادایم اصیل نوسازی و بهسازی روستایی به دور افتند. الگوهای برنامه ریزی روستایی شناخته شده هستند. ولی آنچه که جوهره این الگوها است و در این پژوهش مورد توجه بوده عبارت است از (UNNP, 2005):

– دست یافتن به الگوهای مسکن روستایی در پیوند با بافت پیرامونی

– تشخیص عملکردها و کارکردهای مرتبط با این الگوها

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

– ارزیابی الگوها و دست یافتن به عناصر کاربردی آنها در تناسب با زندگی و معیشت روستاییان

– تعمیم و بسط و توسعه الگوهای اصلی برای دست یافتن به الگوهای امروزی و قابل قبول نوسازی و بهسازی مسکن روستایی

– انطباق این الگوها با قواعد و ضوابط کنونی احداث بنا

در برنامه‌ریزی فیزیکی مانند سایر برنامه‌ریزی‌ها مراحل تعیین اهداف، شناخت وضع موجود، حل مسأله و انتخاب راه حل‌ها پیگیری خواهد شد و در این راستا رعایت مقیاس، مکان و زمان، هزینه و اقتصاد نقش تعیین کننده‌ای دارد.

فرایند برنامه‌ریزی فیزیکی

یکی از موضوعات مهم در مطالعات گونه‌شناسی انتخاب مدل مناسبی برای مطالعات و طراحی می‌باشد. بگونه‌ای که هر مرحله از مطالعات نتایجی را در بر داشته باشد که در مرحله دیگر اثر گذار باشد همچنین بتوان با یک روش سیستمی جزئیات را بررسی نمود تا در مرحله طراحی موضوعی از قلم نیفتد. بعلاوه ارتباط فرایند طراحی با فرایند مطالعات از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. بطور کلی فرایند برنامه ریزی شامل دو فرایند رویه‌ای و محتوایی است. در فرایند رویه‌ای روش و مراحل انجام کار مشخص شده است. هر چند این فرایند نمی‌تواند کاملاً علمی باشد ولی سعی شده است با روش‌های علمی مورد آزمون قرار گیرد. در فرایند محتوایی به مباحثی که در هر یک از مراحل انجام مطالعات مشخص شده است، پرداخته شده است (UNDP, 2005).

یکی از موضوعات مهم در مطالعات گونه‌شناسی انتخاب مدل مناسبی برای مطالعات و طراحی می‌باشد. بگونه‌ای که هر مرحله از مطالعات نتایجی را در بر داشته باشد که در مرحله دیگر اثرگذار باشد

فرایند رویه‌ای مطالعات

این فرایند به مراحل مطالعات می پردازد، ایجاد یک فرایند که دارای چارچوبی علمی باشدو به تمام جزئیات توجه داشته باشد. هدف این مرحله از کار در دیاگرام شماره یک فرایند رویه ای مطالعات آورده شده است. مراحل عمده این فرایند، تعیین اهداف، تجزیه و تحلیل و دستیابی به نتایج می باشد.

فرایند محتوایی مطالعات

منظور از فرایند محتوایی مطالعات، بررسی عوامل واقعی و عینی هر یک از مراحل مطالعات می‌باشد. مراحل مطالعات عبارتند از: تعیین اهداف، شناخت وضع موجود، بررسی نیازها، انتخاب راه حل‌ها و طراحی، پنج عامل عملکرد، فرم، اقتصاد، مکان و زمان که نقش مهم‌تری دارند، در هر یک از این مراحل بررسی شده‌اند. انطباق این سؤالات با معیارهای محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ارزیابی و پاسخ‌های نهایی طراحی بدست آمده است.

اهداف برنامه‌ریزی فیزیکی

در سطح کلان:

هدف غایی مطالعات مسکن روستایی، ارائه راه حل برای ساخت مسکن مناسب و مقدور جهت اقشار این جامعه و بهبود کیفیت کالبدی و فضایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

مسکن آنان از طریق ارتقاء تکنولوژی ساخت مسکن می‌باشد (UNDP, 2005). سایر اهداف مرتبط عبارتند از:

- بهینه نمودن فرایند برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت توسعه مسکن.
- شناخت گونه گونی‌های مسکن روستایی و روند تحولات آن.
- متناسب کردن الگوهای مسکن با تحولات و تمایلات و گرایش‌های جدید زندگی روستاییان.
- بهینه نمودن شرایط اجتماعی مسکن و ارتقاء آن به سطح معیارهای رایج.
- بهسازی و نوسازی مسکن موجود و ارائه الگوهای بهینه و مطلوب مسکن با توجه به شرایط منطقه‌ای.
- دستیابی به راهبردهای مقاوم سازی و مقابله با سوانح و ارتقاء کیفیت کالبدی مسکن روستایی.

هدف غایی مطالعات مسکن روستایی، ارائه راه حل برای ساخت مسکن مناسب و مقدور جهت اقشار این جامعه و بهبود کیفیت کالبدی و فضایی مسکن آنان از طریق ارتقاء تکنولوژی ساخت مسکن می‌باشد

در سطح خرد:

هدف برنامه‌ریزی و طراحی مسکن روستایی در سطح خرد، بهینه سازی شرایط و مناسبات محیطی در سطح روستاها می‌باشد. برای رسیدن به این هدف همانند طراحی شهری، گونه‌ای طراحی روستایی مورد نیاز است که در آن مناسب سازی فضاها، از طریق دست یافتن به تعادل، هماهنگی و توازن، ایجاد هویت، رفع ناهنجاری‌ها و خوانا کردن چهره محیط روستا برای ساکنان آن مورد نظر می‌باشد. بی‌تردید این بخش از طراحی‌های محیط روستا مورد غفلت قرار گرفته است. آنچه که قواعد اصیل محیط خالص روستایی است در این گونه طراحی ها قابل ترسیم و احیاء است (کلهرنیا، ۱۳۸۰). اطلاعات اینگونه طراحی صرفاً از طریق قواعد فنی امکانپذیر نیست، بلکه از فرایندی پویایی شناسانه و در گفتگو و دیالوگ موشکافانه‌ای با ساکنان روستا بدست می آید. تصویر اصلی روستا- یعنی آنچه که باید به آن رسید- در ذهن و ادراک ساکنان روستا نقش دارد و با استقراء در این تصاویر میتوان به منشأ و گونه اصلی آن دست یافت (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۰).

نتیجه گیری

امروزه خانه‌هایی که در روستاها احداث می‌شود، نسبت به گذشته تحولات کارکردی عمیقی را پذیرفته است و مساکن سنتی و بومی که در انطباق با محیط طبیعی بوده از بین رفته و جای خود را به مساکنی با طرح و نقشه های جامعه شهری داده است. وجود ایوان در خانه‌های جدید کمرنگ شده است و خانه‌های جدید در مقابل خانه‌های تخریب شده و سنتی قرار گرفته‌اند. فعالیتهای عمرانی دولت و ارائه امکانات خود به این عامل دامن زده و استفاده از امکانات جدید لزوم این تحول را نشان می‌دهد. ولی باید توجه داشت که جایگزینی الگویی مطابق با محیط و فرهنگ روستایان لازم است تا از ناهمگونی‌ها و ناهنجاری ها که بافت و الگو و جنبه‌های زیبایی شناسانه روستا را برهم می‌زند جلوگیری شود. رواج فرهنگ مصرفی، تغییر نیازهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

اجتماعی و وابستگی به تولیدات دیگر مناطق از پیامدهای این تغییرات است. لزوم تدوین برنامه ریزی صحیح و تعریف تیپ و الگوی مشخص برای مناطق روستایی این شهرستان در جهت نظم دهی و حفظ هویت روستایی ضروری است.

پیشنهادات

با توجه به کلیه مطالب عنوان شده در این مقاله پیشنهادات زیر برای ایجاد رابطه ای معقول بین نیازهای امروز و استفاده از تکنولوژی و پیشرفت از یک طرف و حفظ آثار فرهنگ و سنت روستایی در قالب حفظ الگوی مسکن روستایی از طرف دیگر داده می شود.

– استفاده صحیح از مصالح بومی و تعمیر ساختمانهای قدیمی با وسایل رفاهی مدرن وامروزی.

– ایجاد تنوع و نوآوری در طرح‌های سنتی و بومی.

– پیشگام شدن سازمانهای دولتی در امر ساختن ساختمانهایی به شکل سنتی و بومی در روستاها.

– ایجاد چهارچوب مشخص و معین در امر خانه سازی و تعیین نقشه‌های متناسب با فرهنگ روستایی.

– دادن تسهیلات به کسانی که از مصالح بومی استفاده می‌کنند و الگوی سنتی را در خانه‌سازی حفظ می‌کنند.

- کوشش در حفظ و نگهداری از خانه‌های قدیمی و سنتی در روستاها و جلوگیری از تخریب این خانه‌ها، توسط ساکنین روستایی.

– تشویق و ترغیب ساکنین روستاها به شیوه سنتی و فرهنگ بومی در ساخت مسکن بوسیله تبلیغ از طریق رسانه‌های گروهی خصوصاً رادیو و تلوزیون و روزنامه.

– ایجاد یک تیم برنامه‌ریزی از متخصصین مسائل روستایی و معماری و مسکن.

– تدوین سند چشم انداز توسعه‌ای مسکن روستایی و تعریف الگوهای ویژه و منطبق با شرایط جغرافیایی.

منابع و مأخذ

– آسایش، حسین، سنجش کیفیت زندگی، مجله مسکن وانقلاب اسلامی، شماره ۷۷و۷٦، تهران، ۱۳۷۵.

– اهری، زهرا و شهلا امینی جدید، تجارب کشورهای مختلف در تأمین مسکن، چاپ اول، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۵.

– دژکام، ژاله، مسأله مسکن در ایران، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳٦٤.

– دلال پورمحمدی، محمدرضا، برنامه‌ریزی مسکن، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

– حبیبی، سید محسن، گونه شناسی مسکن روستایی در استان کهکیلویه و بویر احمد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران، ۱۳٦٤.

– حبیبی، سید محسن، گونه شناسی مسکن روستایی در استان چارمحال و بختیاری، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران، ۱۳٦٤.

– شکویی، حسین، حاشیه نشینی شهری، خانه های ارزان قیمت و سیاست مسکن، انتشارات دانشکده ادبیات، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۵.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]

– علوی مجد، حمید، بررسی آماری و پیش بینی کمبود مسکن روستایی در سال ۱۳۸۵، مجله مسکن وانقلاب اسلامی، شماره ۱۰۷، پائیز۱۳۸۳.

– قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد، شهریور ۱۳٦۸.

– کلهرنیا، بیژن، نهاد سازی و مشارکت در ارتقاء ساختارهای اجتماعی، سمپوزیوم ارتقاء و توانمند سازی محلات فقیر نشین شهری، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.

– مهندسان مشاور تدبیر شهر، طرح جامع شهر سسندج، مطالعات وضع موجود، سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۸٦.

– مهندسان مشاور تدبیر شهر، کاربرد روشهای پویایی شناسی در شناخت قابلیت‌های توسعه درونزا در جوامع شهری و روستایی، سمینار توسعه ناحیه محور، دفتر برنامه توسعه ملل متحد UNDP در ایران، ۱۳۸۳.

– مخبر، عباس، ابعاد اجتماعی مسکن، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳٦۳.

– مسکن یک پارامتر توسعه، بی نام، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.

– مسیبی، محمد، استراتژی مدیریت منابع و برنامه ریزی مسکن، فصلنامه سپهر،دوره ششم، شماره ۲٤،

– وزارت مسکن و شهرسازی، طرح جامع مسکن سند تحلیلی، جمع بندی مطالعات، دفتر برنامه ریزی و اقتصاد مسکن، ۱۳۸۵.

– نظری، عبدالحمید، بررسی نقش و اثرات شیوه زیست و معیشت کوچ نشینی در مجموعه اوبه های داز، دومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن، ۱۳۷۹.

– هدایت نژاد، محمود، اجاره نشینی، عوارض روانی– اجتماعی، راه حل‌ها، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۵.

- Bourne, L.S. A Geography of Housing, Black well Publishing, New York p:14, 1981.

- Dix, G. The place of shelter in National Development, Edited by S.M Romaya. pp:1-10, 1995.

- Dev, S, Madendra, 2005, Poverty Reduction Strategies in Iran, UNDP.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-09]